

10th International Conference on Legal and Judicial Studies



خوانش جدید از قرارداد اجتماعی

صادق تاروی وردی

پژوهشگر مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران

چکیده:

حاکمیت از عمده ترین عناصر یک جامعه سیاسی است و ویژگی و شاخصه اصلی دولت شناخته شده و از اهمیت ویژه ای برخوردار است. یکی از گفتمانهای غالب در خصوص تبیین خاستگاه حاکمیت، نظریه قرارداد اجتماعی است. براساس این نظریه افراد در جامعه طبق قرارداد اجتماعی خاصی به تشکیل دولت و نظام سیاسی-اجتماعی مورد نظر خود اقدام می کنند بطوریکه فرمانروایی باید مبتنی بر رضایت مردم باشد و دولت یک پدیده مصنوعی است که بر مبنای قرارداد انسان ها به وجود می آید و مشروعیت حاکمیت در گرو رضایت مردم است. قرارداد اجتماعی تفسیرهای گوناگونی را در پی داشته است. از مهمترین نظریه پردازان عصر قرارداد اجتماعی می توان به هابز، لاک و روسو اشاره کرد. لیکن امروزه با تحول مفهوم سنتی حاکمیت مفهوم قرارداد اجتماعی نیز کاربردهای متمایزی یافته است. به ویژه اینکه فرآیند جهانی شدن، حاکمیت دولت ها را در عرصه داخلی و خارجی به چالش کشیده و محدود کرده است بطوریکه دولت ها با پذیرش اصول حاکم بر نظم نوین جهانی ناگزیر به تحدید و متکثر نمودن حاکمیت خویش می باشند.

کلید واژگان: حاکمیت، مشروعیت، قرارداد اجتماعی، جهانی شدن